



قلی شادبخش، رئیس کانون کارگران بازنشسته و مستمری بگیر تأمین اجتماعی استان البرز:

سازمان مانده چاه نفت دارد نه به منابع ملی متکی است!

به‌طور معمول بازنشستگان و وضعیت آنها، آینه‌ای است تمام‌نما از فردای کارگران. همان‌ها که عمری کوشیده‌اند و با اندوخته‌هایی اندک اما پیوسته، سازمانی را را بنیاد نهاده‌اند که بیشترین و متنوع‌ترین خدمات کوتاه‌مدت و بلندمدت بیمه‌ای و درمانی را به مخاطبان خود عرضه می‌کند. در مقام داوری نیز بازنشستگان ارز‌یابان منصفی شناخته می‌شوند که حساسیت، اشراف و دغدغه‌مندی‌شان به مسائل تأمین اجتماعی زبازند است. این را می‌شود در صحبت‌های رئیس کانون کارگران بازنشسته و مستمری‌بگیر تأمین اجتماعی استان البرز دریافت. قلی شادبخش، کمتر از بازنشستگان و مستمری‌بگیران ۱۳۹ هزار نفری البرز می‌گوید و بیشتر مایل است امروز و فردای تأمین اجتماعی را با آتیه‌نو در میان بگذارد. وی سه‌جانبه‌گرایی و ثبات مدیریتی را نقطه قوت دوره کنونی سازمان تأمین اجتماعی می‌داند و ضمن اینکه نقبی به اوضاع و احوال اقتصادی کشور می‌زند، صراحتاً می‌گوید: «هر تکب اشتباهی تاریخی شده‌ایم».

بدهی‌ای به تأمین اجتماعی ندارد. بحث اصلی تعهداتی است که با توجیهات و استدلال‌های مختلف ایجاد می‌شود، اما در مرحله اجرا به درستی تأمین مالی نمی‌شود. سازمان تأمین اجتماعی یک نهاد عمومی غیردولتی و ماهیتاً بیمه‌ای است. بدیهی است هر حمایتی که اقشار مختلف جامعه نیاز داشته باشند، باید از ناحیه دولت و از محل منابع عمومی پاسخ داده شود. تأمین اجتماعی و دارایی‌های آن حق‌الناس و متعلق به کسانی است که سال‌ها حق بیمه‌های خود را در صندوقی مشاع به امانت گذاشته‌اند.



الان ظرفیت‌های خالی زیادی در بنگاه‌های اقتصادی کشور وجود دارد. به‌طور مثال در همین شهرک‌های صنعتی استان البرز به هر کدام که مراجعه کنید متوجه واقعیت امر می‌شوید. در اشتهارد ۳۰۰ تا ۴۰۰ واحد صنعتی داریم که اکثراً یا تعطیل هستند یا با ظرفیت پایین کار می‌کنند. وقتی به این واحدها کمک شود که مجدداً به چرخه تولید بازگردند، جذب نیرو بیشتر می‌شود و شاخص شاغلان به مستمری‌بگیران بالاتر می‌رود که کمک بزرگی به تأمین اجتماعی است. موضوع دیگر مقررات و ضوابط بیمه‌پردازی و

سنین دریافت مستمری است. در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهایی که تجربیات موفقی در زمینه تأمین اجتماعی دارند، نظام تصمیم‌گیری با توجه به افزایش امید به زندگی و بالاتر رفتن میانگین سنی جمعیت فعال، تعاریف و شاخص‌های بازنشستگی را نیز تغییر داده است.

عملکرد نهادهای قانونگذار در قبال تأمین اجتماعی هم محل بحث است. فکر می‌کنید این موضوع چقدر در تشدید وضعیت نقش داشته است؟

ببینید، ریشه اکثر مصوباتی که در رابطه با تأمین اجتماعی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده، در وهله اول ناشی از تصمیماتی بوده که نمایندگان در پاسخ به درخواست‌های مردم حوزه انتخابیه خود اتخاذ کرده‌اند. مثلاً مراجعان درخواست پوشش بیمه‌ای می‌دهند و نمایندگان آنها هم در مجلس بدون در نظر گرفتن اصول و محاسبات بیمه‌ای، برای سازمان تأمین اجتماعی تعهد جدید ایجاد می‌کنند. خود این مساله متاثر از عدم شناخت حوزه تأمین اجتماعی است. اگر خاطرتان باشد چند وقت پیش هم ادعاهایی مطرح شد مبنی بر اینکه دولت اساساً هیچ‌گونه

همانطور که اطلاع دارید، طی سال‌های گذشته در سازمان تأمین اجتماعی شاهد افزایش پرشمار تعداد مستمری‌بگیران و رشد اندک بیمه‌پردازان بوده‌ایم که نتیجه آن پیشی گرفتن مصارف بر منابع و ایجاد چالش بوده است. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

فکر نمی‌کنم این قضیه بر کسی پوشیده باشد. سازمان تأمین اجتماعی، صندوقی درآمد هزینه‌ای است و همانطور که مستحضر هستید، باید درآمد کافی برای هزینه‌های خود داشته باشد. سازمان تأمین اجتماعی نه زیر پایش چاه نفت دارد و نه به بودجه دولت وصل است. درآمدها عمدتاً از محل حق بیمه‌ها کسب و وارد صندوق می‌شود. از طرفی هم این سازمان دارای مصارف کوتاه‌مدت و بلندمدتی است. از لحاظ تعهدی بنا به آمار و ارقام‌های مراجع رسمی، وضعیت سازمان تأمین اجتماعی مطلوب است اما در عمل آنچه باید تحقق پیدا کند، عملی نمی‌شود و همین موضوع، نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است. از جمله تعهداتی که در بازه‌های زمانی مختلف به تصویب رسیده و مثلاً نهاد دولت متعهد شده بخشی از حق بیمه گروه‌های مختلفی که تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار گرفته‌اند را پرداخت کند اما در عمل این اتفاق نمی‌افتد و دولت نیز این موارد را در بودجه سنواری خود نمی‌گنجاند. دولت برای همین سال ۹۵ حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان نسبت به تأمین اجتماعی تعهد دارد که بخشی از آن در رابطه با ۳ درصد حق بیمه و پاره‌ای نیز ناشی از معافیت‌های بیمه‌ای رانندگان، قالیبافان، زنبورداران، کارگران ساختمانی و ... است که جمعاً به حدود ۲۳ مورد می‌رسد. دولت باید ردیف این موارد را در بودجه‌اش قرار دهد و نقداً پرداخت کند. حق بیمه شاغلان ۲۷ درصد است که ۷ درصد آن سهم بیمه‌شده است و ۲۰ درصد باقی‌مانده را هم کارفرما پرداخت می‌کند. درواقع آنچه مبنای پرداخت حق بیمه‌هاست، کارکرد شاغلان است و حق بیمه‌های پرداختی نیز مبنای انجام تعهدات سازمان تأمین اجتماعی است. اینکه در دوره‌هایی تعهدات بر سازمان تأمین اجتماعی تحمیل شود و دولت نیز تعهداتی را منقبیل شود اما در عمل به‌گونه دیگری رفتار کند، در اصل خدمت‌رسانی سازمان تأمین اجتماعی تفاوتی ایجاد نمی‌کند. به هر حال سازمان تأمین اجتماعی به وظایف خود در قبال بیمه‌شدگان عمل می‌کند اما فراموش می‌شود که ممکن است در کیفیت این خدمات خلل وارد شود.

در حال حاضر مطالبات تأمین اجتماعی از نهاد دولت به بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده و روزبه‌روز هم بر حجم آن افزوده می‌شود. بسیاری بر این باورند که اگر دولت به نقش خود در قبال این سازمان عمل و نسبت به پرداخت بدهی‌هایش اقدام کند، مشکلات تأمین اجتماعی هم کمتر خواهد شد. ارزیابی شما چیست؟

بله، درست است. لازم است دولت مجدداً به وظیفه مشارکتی و نظارتی خود برگردد. اما این نکته را هم گوشزد می‌کنم که خود دولت هم مشکلاتی در زمینه تأمین منابع نقدی دارد و از آن سو نیز شرایط عمومی اقتصاد کشور چندان مساعد نیست. عمده درآمدهای سازمان تأمین اجتماعی از محل حق بیمه‌ها به دست می‌آید و در حوزه‌های مستمری و درمان هزینه می‌شود. اما مساله این است که اقتصاد کشور در شرایط رکودی به سر می‌برد و تعداد بیکاران به نسبت زیاد است. در این شرایط طبیعی است که افراد نمی‌توانند شغل پایدار و مناسبی پیدا کنند و از آن طرف نیز درآمدهای سازمان تأمین اجتماعی کاهش می‌یابد.

روشن است یکی از مولفه‌های رشد و توسعه، توان اقتصاد هر کشور در خلق شغل است که مستقیماً بر تعداد بیمه‌پردازان و کارکردهای نهادهای تأمین اجتماعی هم اثر می‌گذارد.

وقتی که نهاد دولت بدهی‌اش را پرداخت نمی‌کند، مشکلات تأمین اجتماعی هم مضاعف می‌شود اگر بخواهیم سازمانی داشته باشیم که حداقل برای یک نسل دغدغه‌خاطری بابت تعهدات خود نداشته باشد، در درجه اول باید مطالبات خود را از دولت وصول کند و در درجه دوم نیز اشتغال توسعه یابد. اولویت سوم نیز قوانین و مقررات در داخل سازمان است